

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علی (ع) از زبان علی (ع)

تألیف

زینب مشتاقی

تهران

۱۳۹۶





علی (ع) از زبان علی (ع)

مؤلف زینب مشتاقی
ویراستار پروانه خادمی
صفحه آرا کلک سیمین
طراح جلد مجید یکتا
ناشر کلک سیمین
لینوگرافی، چاپ، صحافی نشر امروز
نوبت چاپ اول
سال چاپ ۱۳۹۶
تیراژ ۱۰۰۰
قیمت ۱۰۵/۰۰۰ ریال

شابک: ۶-۳۵-۷۵۰۶-۶۰۰-۹۷۸

تهران خیابان ملاب بین خیابان ابوریحان و دانشگاه، پلاک ۱۱۸۲، طبقه ۸، واحد ۳۳.

kelke_simin@yahoo.com

تلفکس ۵۴۵ ۶۶۴۶

Kelkesimin.com

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای مؤلف محفوظ است.

سرشناسه	:	سیمین، زینب
عنوان و نام پدیدآور	:	علی (ع) از زبان علی (ع)
مشخصات نشر	:	تهران، کلک سیمین، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	:	۱۲۸ ص
شابک	:	۶-۳۵-۷۵۰۶-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع	:	علی بن ابی طالب، امام اول، ۲۳ قبل از هـ - ۴۰ - فضائل
موضوع	:	علی بن ابی طالب، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۱ - مد و بررسی
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۹۶ ۸۸ م/۴/۴ BPT۳۷
رده‌بندی دیوبی	:	۲۹۷/۹۵۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۷۴۷۷۵۸

مقدمه

جای هیچ گونه تردیدی نیست که سخن گفتن از انسان جامع الاضداد و جامع الأطراف چون حضرت علی^(ع) که خداوند جل و اعلی دربارۀ ایشان بیش از سیصد آیه زائل کرده از جمله آیات «و از مردم کسی است که جانش را برای خشنودی خدا می‌شود و خدا به بندگان مهربان است.» (سوره بقره، آیه ۲۰۷)، «کسانی که ایمان را در شب و روز و پنهان و آشکار انفاق می‌کنند. برای آنان نزد ما پاداشی شایسته است؛ و نه ییمی بر آنان است و نه اندوهگینی می‌یابند.» (سوره بقره، آیه ۲۷۴) «پس از آنکه در ماهیت عیسی بن مریم علم پیدا کرد، کسی در این موضوع، با تو جدل و احتجاج برورد بگو، بیایید ما و شما و فرزندان و زنان و نفس خود را بیاوریم و سپس یکدیگر را لعنت کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار بدهیم.» (سوره آل عمران، آیه ۶۱) (آیه مباهله)، «ولی ای رسول! شما فقط خدا و رسول او و مؤمنانی هستند که همواره نماز را برپا می‌کنید در حالی که در رکوع هستند زکات می‌دهند.» (سوره مائده، آیه ۵۵) «ای پیامبر آنچه از پروردگارت (درباره ولایت و رهبری علی بن ابیطالب) بر تو نازل شده بلاغ کن؛ و اگر انجام ندهی پیام خدا را نرسانده‌ای. خدا تو را از آسیب رکنند مردم نگه می‌دارد، قطعاً خدا کافران را هدایت نمی‌کند.» (سوره مائده، آیه ۶۷) (آیات ولایت)، و آیه ۳۳ سوره احزاب (آیه تطهیر) و از جمله سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ایشان که فرمودند: «ای علی، نسبت تو به من، نسبت هارون به موسی است، مگر در نبوت که پس از من پیامبری نیست.» «هر کس من مولای او هستم، علی مولای اوست.» «به علی ناسزا

نگوید، او شیفته و بی قرار ذات الهی است.» پروردگار عالمیان درباره علی بن ابیطالب، تعهدی کرده و فرموده است: علی پرچم هدایت، کانون نور ایمان، و پیشوای اولیاء الله و نور برای هر کسی که مرا اطاعت کند.» (علی امیر مردم با ایمان، پیشوای متقین، رهبر کمال یافتگان پاک به بهشت پروردگار عالمیان است. کسی که او را تصدیق کرد، رستگار شد و کسی که او را تکذیب کرد، رسوا و ساقط گشت.) «هر کس بخواهد به حضرت آدم در علمش بنگرد و به نوح در تقوایش، و به ابراهیم در بردباریش و به موسی در همتش و به عیسی در عبادتش، بنگرد به علی بن ابیطالب.»^۱

ما قادر به توضیح و تفسیر شخصیت والا مقام و عظیم امیرالمؤمنین علی علیه السلام که دارای معرفتی در حد اعلا نسبت به مبدأ هستی، انسان و جهان، روابطی با مبادی عالی هستی است، نیستیم. شخصیتی جامع که خود را جزئی از انسان و وابستگی مستقیم به خدا می بیند، و دارای تقوا و پرهیزگاری در حد اعلا و صق در گفتار و عمل، اندیشه و نیت پاک و خالص، عدالت مطلق دهد، فضیلت، امتیاز دیگر است که به گواهی تاریخ در ایشان وجود داشته است. ریزگی عمده علی علیه السلام و مردانی که از پرتو حق روشن بوده اند علاوه بر تدبیر افکار و اندیشه ها، بخشیدن نورانیت، ایمان، شور و حرارت و نشاط، سرزندگی به دلها و روحهاست.

حضرتش موجودی متوازن و متعادل بر آنکه کمالات انسانی را با هم جمع کرده بود؛ هم اندیشه ای عمیق و ژرف، هم احساسات و عواطفی لطیف و سرشار داشت. کمال روح و جسم را توأماً دارا بود. او یک انسان کامل به تمام معنی با تمامی زیباییهایش بود.

به هر اندازه که شخصیت جامع حضرتش را بشناسیم، انسان کامل اسلام را شناخته ایم، و با شناخت عملی انسان کامل، ایشان را امام و پیشوای خود قرار می دهیم، راه او را می رویم، تابع و پیرو او می شویم و تلاش می کنیم

۱. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، جلد اول، تهران، چاپ اول، ۲۵۳۷.

که خود را مطابق با الگو و نمونه بسازیم. انسان کامل انسانی است که همه ارزشهای انسانی به طور هماهنگ و به شکلی متوازن رشد کرده و به حد اعلی رسیده است. براساس آیه ۱۲۴ سوره بقره انسان کامل انسانی است که پس از سربلند بیرون آمدن از امتحانات مختلف الهی به جایی می‌رسد که می‌تواند الگو، امام و پیشوا باشد. حضرت علی علیه‌السلام انسان کامل است زیرا همه ارزشهای انسانی در حد اعلی و به طور هماهنگ در ایشان رشد کرد است. تعبیر «جامع الاضداد» که درباره انسان کامل می‌گوییم صفتی است که حضرت علی علیه‌السلام از هزار سال پیش با آن شناخته شده است. سید رضی در مقدمه نهج البلاغه می‌گوید موضوعی که همیشه با دوستانش در میان می‌گذاشته و عجب آنان را برمی‌انگیخته، این موضوع بوده است که جنبه‌های گوناگون حضرت علی علیه‌السلام به گونه‌ای است که انسان در هر قسمت از سخنان ایشان که یاد می‌شود، می‌بیند وارد دنیایی دیگر شده است؛ گاهی در دنیای عرفا، گاهی در دنیای عباد، گاهی در دنیای زهاد، گاهی در دنیای حکام عادل، گاهی در دنیای قضاة، گاهی در دنیای افسران و سربازان و گاهی در دنیای مفتیان؛ حضرتش در همه دنیاها حضور دارد و از هیچ دنیایی از دنیاهاى بشریت غایب نیست. پس انسان کامل انسانی است که در تمامی عرصه‌های انسانیت، و ارزشهای انسانی قهرمان است.

اگر ما مانند انسان کامل نمی‌توانیم قهرمان همه ارزشها باشیم، باید تلاش کنیم همه ارزشها را حداقل در حدی که می‌توانیم داشته و یک انسان کامل باشیم.

همان‌طور که در ابتدای کلام گفته‌شده ما قادر به شناختن تمام مظاهر حضرت علی علیه‌السلام نیستیم؛ اما می‌توانیم حضرتش را از کلام خود ایشان بشناسیم و بشناسانیم. سعی شده با استخراج گفتارهای ایشان از نهج البلاغه درباره خودشان و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کردند که در قالب خطبه، نامه و کلمات بیان شده است، به معرفی ایشان و شرایط جامعه پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پرداخته و با درک هرچه بهتر و بیشتر شرایط جامعه و مظلومیت حضرتش، و درد و مرارتی که ایشان برای هدایت

مردم و رساندن آنان به مقصدی که خداوند برای آنان قرار داده بود می کشیدند پی بریم. ما که خود را پیرو ایشان می دانیم از آن عبرت بگیریم و با درک و فهم سخنان حضرتش و شرایط جامعه اشتباهات آنان را تکرار نکنیم و از آن سخنان ایشان برای ساختن تمدن نوین اسلامی بهره ببریم، ان شاء الله.

حضرت علی علیه السلام از دیدگاه علی علیه السلام

خانه خدا با جبروت و عظمت خود، درخشش وصف ناپذیری به این سرزمین خشک و سوزان بخشیده بود و همگان در برابر شکوه و عظمت بی نظیرش سر تعظیم و تکریم فرود آورده بودند.

در میان این مردم از پیر و جوان، که با احترام خاصی، در دومین جمعه ماه رجب، در گرد خانه خدا مشغول طواف بودند؛ زنی حامله با چهره‌ای شکسته، به دو کعبه معظمه بی تابانه می گردید، با انگشتان لرزان به سوی کعبه اشک می کرد و در حالی که قطرات اشکش سیل آسا بر گونه هایش سرازیر بود، زیر آفتاب گفت: «پروردگارا! به تو ایمان آورده‌ام و به آنچه کتاب و پیامبر از سبقت آمده ایمان دارم.»

«پروردگارا! من به آئین جدّم حضرت ابراهیم خلیل، که بنیان گذار این خانه کهن است، ایمان دارم.»

«پروردگارا! تو را سوگند می دهم به حق بنیان گذار این بیت و به حق این مولودی که در شکم دارم، این زایمان را بر من آسان بگردان.»^۱

دیدگان کنجکاو، او را می دید و گوشه‌های تیز شده سرش را دنبال می کرد، حس کنجکاوای همگان تحریک شده بود که ناگهان فریاد تعجب از همگان برخاست و به دنبال آن سکوت سنگینی بر همگان حکم فرما شد. آب در گلوها خشکید. حیرت و تعجب بر چهره‌ها نقش بست. نفس‌ها از سینه‌ها بیرون نمی آمد.

۱. شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۱۴؛ همان، معانی الأخبار، ص ۶۲؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، جلد ۲، ص ۱۷۳؛ ابن قتال، روضة الواعظین، ص ۷۶؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، جلد ۳۵، ص ۷۸.

کسی جرأت نداشت که مهر سکوت را بشکند و بگوید: لحظه‌ای پیش، دیوار کعبه شکافته شد و زن حامله‌ای به درون کعبه رهنمون شد! چه کسی باور می‌کرد که سنگ خارا آغوش بگشاید و زن حامله‌ای را در خود جای دهد؟! زمانی حیرت و تعجب افزون شد که تلاش کلیدداران حرم، در گشودن قفل در کعبه به نتیجه نرسید! لحظه به لحظه بر ازدحام مردم افزوده می‌شد، تا از فرجام این راز آگاه شوند. پس از سپری شدن مدتی نسبتاً طولانی، یک‌بار دیگر همان سنگ خارا آغوش باز کرد و سیمای درخشان «نغمه‌ست اسد» درحالی که «مولود کعبه» را در آغوش داشت، از درون کعبه طالع گشود. سیمای تکبیر اوج گرفت و در همه جای مکه طنین انداخت. غرور و غرور چون هاله‌ای سنگین بر سر مولود بال گسترده بود و در سیمایش موج‌ها رفتند در دریای اشک شنا می‌کرد. حضرت ابوطالب درحالی که برق شعف در دیدنش بیرون می‌زد، بانگ برآورد: «أَيُّهَا النَّاسُ! وُلِدَ [الْإِيْلَةُ] فِي الْكَعْبَةِ وَلِيَ اللَّهُ» «هائ! ای مردمان! (امشب) ولی خدا، در خانه خدا، دیده به جهان گشود».

این حادثه پرشکوه و بی‌نظیر تاریخ آیینش، به روز جمعه، سیزدهم ماه رجب، در سی‌امین سال حمله ابرهه به خانه خدا (عام الفیل) اتفاق افتاد.

پدرش ابوطالب فرزند عبدالمطلب و مادرش فاطمه بنت اسد (اسد بن هاشم بن عبد مناف) سلام‌الله‌علیهما است. ابوطالب پدر، در کعبه یکی از شخصیت‌های برجسته قریش، مردی با اخلاص و ایمان بسیار قوی، فکور،

۱. علامه امینی، القدر، جلد ۷، ص ۳۴۷؛ سلطان الواعظین شیرازی، شبهات پیش و پس از دفاع از حریم تشیع، شیخ محمد آخوندی (۱۳۵۲)، دارالکتب الاسلامیه، ابن‌ساذان، الفضائل، ص ۵۶.

۲. شیخ مفید، الارشاد، ص ۹؛ دهلوی، ازالة الخفاء، جلد ۲، ص ۲۵۱؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۶۵۵؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، جلد ۲، ص ۷؛ حبیب‌السیر، جلد ۱، ص ۵۲۰؛ سیدرضی، خصائص الائمة، ص ۳۹؛ ابن صباغ، الفصول المهمة، ص ۳۰؛ شیخ کفعمی، المصباح، ص ۲۶۰؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، جلد ۲، ص ۷۸؛ مسعودی، مروج الذهب، جلد ۲، ص ۲؛ شیخ مفید، ارشاد، جلد ۱، ص ۲.

سیاستمدار، شجاع و کارداران بود. فاطمه سلام الله علیها مدتی تربیت حضرت رسول صلی الله علیه و آله را برعهده داشت و برای او چون مادر بود. وی بانویی با ایمان و از مسلمانان صدر اسلام است که به مدینه هجرت کرد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همیشه ایشان را گرامی می داشت و هنگامی که از دنیا رفت وی را در پیراهن خود کفن کرد.^۱ پس از حضرت خدیجه سلام الله علیها، او اولین زن هاشمی است که با حضرت رسول صلوات الله علیه و آله بیعت کرد.^۲

کنیه مشهور او ابوالحسن و لقبهایش بسیار است. از آن لقبها اسدالله و حیدر در میان ما ایرانیان شهرت دارد. لقب اسدالله را رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو داد^۳ و مادرش او را حیدر به معنی شیر خواند.^۴ ابوطالب که در کودکی سرپرستی حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برعهده گرفت، فرزندان بسیار داشت. قریش را سالی سخت پیش آمد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنامی خود عباس گفت: «برادرت ابوطالب نانخور بسیار دارد و همان طوری که من بنی مردم در سختی بسر می برند، یا نزد او برویم و از سختی آنان بکاهیم من نیکی از پسران او را برمی دارم تو هم یکی را و سرپرست آنها می شویم.» عباس پذیرفت. نزد ابوطالب رفتند و داستان را با او در میان نهادند. ابوطالب گفت: «عقیل را برایم بگذارید و هرچه خواهید بکنید.» حضرت محمد صلی الله علیه و آله علی را و عباس جعفر را گرفت.^۵

«هنگامی که (رسول خدا صلی الله علیه و آله) در بلم (از شیر گرفته شد) خداوند بزرگترین فرشته از فرشتگانش را شب و روز در منشین او فرمود تا راههای بزرگواری را پیمود، و خوابهای نیکوی جهان را بر او فرمود.»^۶

۱. ارشاد، جلد ۱، ص ۲.

۲. عمادالدین حسین اصفهانی، شهر به عمادزاده (۱۳۵۵ ش.)، زندگانی حضرت امیرالمؤمنین،

شرکت سهامی طبع کتاب، ماه محرم ۱۳۹۷، دی ماه ۱۳۹۵، ص ۳۳-۳۴.

۳. محب الدین طبری، ذخائرالعقبی، ص ۹۲.

۴. طبقات، جلد ۲، بخش ۱، ص ۸۱.

۵. طبری، جلد ۳، ص ۱۱۶۳-۱۱۶۴.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲ (قاصعه).